

تبیین الگوی مفهومی حکمرانی با رویکرد اسلامی برای ارائه خدمات دولتی:

مطالعه موردی سازمان امور مالیاتی کشور

یگانه موسوی جهرمی

هدف اصلی در مقاله حاضر تبیین ابعاد و الگوی مفهومی حکمرانی در سازمان امور مالیاتی کشور به عنوان یکی از نهادهای ارائه دهنده خدمات دولتی براساس رویکرد اسلامی است. روش تحقیق مورد نظر توصیفی-تحلیلی با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای است. بدین ترتیب که در استخراج ابعاد حکمرانی سازمانی با رویکرد اسلامی از سیره انبیاء و اولیای دین و با دیدگاه بین المللی از ادبیات موجود استفاده شده است. نتایج حاصل از مقایسه تطبیقی ابعاد حکمرانی با دو دیدگاه مذکور بیانگر آن است که از لحاظ شکلی تمامی مولفه‌ها و زیرمولفه‌های حکمرانی خوب مدنظر نهادهای بین‌المللی در رویکرد اسلامی نیز قابل قبول است اما از لحاظ ماهوی قائم به رعایت قوانین الهی است. به علاوه، زیرمولفه‌های حکمرانی از دیدگاه اسلامی با در نظر گرفتن جهان بینی و هستی شناسی اسلام جامع‌تر بوده و برای آن در مجموع ۱۵ زیر مولفه بیشتر ارائه شده که تضمین کننده رشد و کمال انسان است. از جمله این زیرمولفه‌ها می‌توان به راست گویی و صداقت در ارائه گزارش‌ها، آمارها، نتایج تجزیه و تحلیل‌ها و مطالعات، رعایت عدالت و موازن اسلامی در تعامل با ذی‌نفعان خارجی و داخلی، تدوین ساختارها و فرآیندهای مالیاتی بر مبنای اصول پیمان‌های اسلامی و ... اشاره کرد.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، حکمرانی اسلامی، خدمات دولتی، سازمان امور مالیاتی

۱. مقدمه

حکمرانی خوب اشاره به مفهومی دارد که به دلیل عدم اعتماد به دولت و با هدف تسلط بر محیط و کاهش عدم اطمینان در اقتصاد و حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب پدیدار شد و به عنوان یکی از روندهای بین‌المللی قابل طرح در اداره امور عمومی مورد توجه قرار گرفته است. اگر چه، واژه حکمرانی خوب برای اولین بار در سال ۱۹۷۹ توسط ویلیام سون در ادبیات اقتصادی در مقابل حکمرانی ضعیف مطرح گردید، اما از سال ۱۹۸۰ به بعد کاربرد این واژه بیشتر شد و هنگامی که بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ گزارش سالانه خود را به حکمرانی خوب اختصاص داد، هیچ‌کس تصور نمی‌کرد که حکمرانی خوب جایگاه خود را بدین شکل در ادبیات توسعه گسترش دهد. امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه وقتی از اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری مانند خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی ناامید شده‌اند، حکمرانی خوب را به عنوان تنها راه چاره توسعه و پیشرفت اقتصادی خود دانسته و هر روز که می‌گذرد اهمیت آن بیشتر می‌شود (فردریکسون، ۲۰۰۶).

در جامعه اسلامی نیز اگرچه امروزه حکمرانی متعالی در سطوح مختلف یکی از دغدغه‌های بسیار مهم بشمار می‌آید، تطبیق کامل شاخص‌ها و اصول تبیین شده از حکمرانی خوب برای این جوامع به دلیل ایدئولوژی حاکم ممکن نیست. لذا بومی‌سازی شاخص‌های حکمرانی خوب با توجه به فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای جوامع اسلامی مدنظر قرار گرفته و پدیده حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی (حکمرانی متعالی) به عنوان یک نظریه جدید خودش را در عرصه جهانی نشان داده است.

حکمرانی خوب به عنوان مجموعه‌ای از توافقات، رویه‌ها، قراردادها و سیاست‌ها، فرایندی است که از آن طریق جوامع یا سازمان‌ها تصمیمات مهم خود را اتخاذ و مشخص می‌کنند چه کسانی در این فرایند درگیر شوند و چگونه وظیفه خود را به انجام برسانند. حکمرانی خوب نه تنها انجام وظایف بلکه چگونگی و شیوه انجام وظایف را نیز شامل می‌شود که براین اساس برای هر نوع عمل جمعی، در سطوح مختلف، قابل کاربرد است (ویس، ۲۰۰۰).^۱ از این رو، چهار سطح برای حکمرانی شامل حکمرانی جهانی^۲ یا حکمرانی در فضای بین‌المللی، حکمرانی ملی^۳ یا حکمرانی در بستر ملی، حکمرانی اجتماعی^۴ یا حکمرانی در فضای اجتماعی و حکمرانی سازمانی^۵ مطرح است. در این بین اهمیت موضوع حکمرانی در سطح سازمان بیش از سایر سطوح بوده و منتج به پیدایش حکمرانی خوب در سطح سازمانی از دهه ۱۹۹۰ میلادی در چارچوب مدیریت دولتی نوین شد. چرا که در جهان امروز سازمان‌ها به عنوان سیستم‌های باز تلقی شده و پیوسته در تعامل با محیطی قرار دارند که

1. Weiss

2. Global Governance

3. National Governance

4. Community Governance

5. Organizational Governance

همواره در حال تغییر و تحول است. از این رو سازمان‌ها در راستای کسب موفقیت و به تناسب نوع کار، محیط و ساختار خود، نیازمند استفاده از الگوها، مدل‌ها، روش‌ها و ابزارهای خاص برای دستیابی به اهداف خود هستند (گراهام^۱، ۲۰۰۳). ضمن اینکه در عصر حاضر در شرایطی که نیازها و خواسته‌های عمومی تحت تاثیر روند رو به رشد فناوری‌های رسانه‌ای، اطلاعاتی و دیگر تغییرات عصر اطلاعات قرار می‌گیرد، هر نوع کنش یا اقدام کارکنان و تصمیم گیرندگان دولتی که به نمایندگی از سوی مردم عهده‌دار پیشبرد امور هستند، در معرض پرسش و نقد قرار می‌گیرد. در این شرایط به جای تمرکز بر بازارگرایی و معیارهای اقتصادی و کارایی، حکمرانی خوب (گودسل^۲، ۲۰۰۶)، به معنای رعایت اصول و معیارهای خاصی در انجام وظایف توسط دولت و سازمان‌های دولتی، مدنظر قرار گرفت.

در چارچوب این تحولات مدیریتی، اداره امور در سازمان‌های دولتی به جای تاکید صرف بر ارائه خدمات عمومی، بر اطمینان از حصول دستاوردهای مورد انتظار برای ذی‌نفعان متمرکز گردید. در نتیجه برخی افراد، گروه‌ها و نهادهای بین‌المللی در معرفی شاخص‌ها و اصول حکمرانی خوب به جای دیدگاه کلان و در سطح ملی، شاخص حکمرانی خوب را در سطح خرد، یعنی سطح سازمانی، مورد بررسی قرار دادند و اصول مرتبط با آن را ارائه نمودند (نهاد صاحب امتیاز مالیه و حسابداری دولتی^۳، ۲۰۰۴). طرفداران حکمرانی سازمانی بر این عقیده‌اند که یک سازمان می‌تواند با انطباق روش‌های عملیاتی و انجام وظایف خود با اصول حکمرانی خوب نه تنها بسترهای توسعه و رشد درون سازمانی، بلکه موجبات رشد و توسعه در سطح کل کشور را فراهم نماید. براین اساس، سازمان امور مالیاتی کشور به عنوان یک سازمان دولتی به واسطه نقشی که در تحقق اهداف دولت نظیر تامین منابع مالی لازم برای رشد اقتصادی، تخصیص منابع در جهت ارتقا سرمایه‌گذاری و توزیع عادلانه درآمد دارد، از این قاعده مستثنی نیست، بلکه با استفاده از یک الگوی حکمرانی مناسب می‌تواند درک بهتری از رابطه بین اشکال مختلف نهادی و راه‌های فراهم آوردن سلامت اجتماعی- اقتصادی برای ذینفعان را به دست آورد. ضمن اینکه می‌تواند یک نقشه راه یا مبنایی برای قضاوت در خصوص فرایندهای آتی اصلاحات نهادی و تکامل در بخش دولتی فراهم سازد.

علاوه بر مطالب فوق الذکر، هر کشور یا سازمانی می‌تواند شرایط حکمرانی خوب را با فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای خود بیامیزد و آن را بومی نماید. در این ارتباط نیز سازمان امور مالیاتی در ایران اسلامی با توجه به ارتباط تنگاتنگ با آحاد جامعه (مودیان مالیاتی) و نقشی که در تکامل همه جانبه انسان و برقراری عدالت و برطرف کردن شکاف طبقاتی به عنوان اصلی ترین اهداف دولت اسلامی دارد، لازم است از اصولی تبعیت نماید

1. Graham
2. Goodsell
3. Chartered Institute of Public Finance and Accountancy

تا بستر لازم برای تحقق اهداف مذکور را برای دولت اسلامی مهیا سازد. بنابراین، در مقاله حاضر استخراج اصول حکمرانی سازمانی برای سازمان امور مالیاتی کشور با رویکرد اسلامی و تطبیق آن با حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی مد نظر قرار گرفته است.

ساماندهی مقاله حاضر بدین ترتیب است که بعد از مقدمه، در بخش دوم مبانی نظری شامل حکمرانی و حکمرانی خوب، حکمرانی سازمانی و مطالعات تجربی ارائه شده است. در ادامه در بخش سوم نیز فرآیند استخراج اصول و در نهایت الگوی مفهومی حکمرانی سازمان امور مالیاتی کشور با رویکرد اسلامی استخراج و با الگوی نهادهای بین‌المللی مقایسه می‌شود. در نهایت نیز بحث و نتیجه‌گیری بیان می‌شود.

۲. ادبیات موضوع

۲-۱. حکمرانی و حکمرانی خوب

تمرکز اصلی حکمرانی بر جنبه‌های استراتژیک اداره نمودن یک جمع یعنی تصمیمات مهمی که پیرامون مسیر و نقش‌های عناصر موجود در یک جمع گرفته می‌شود، متمرکز است. به عبارت دیگر، یک حکمران نه تنها در خصوص مسیر حرکت جمع تحت حکمرانی خود، بلکه در مورد اینکه چه کسی و تا چه حدی باید در فرآیند تصمیم‌گیری وی دخالت کند، نیز باید تصمیم‌گیری نماید.

حکمرانی به تغییرات در نقش، ساختار و فرآیند عملیات دولت یا روش‌های حل مشکلات اجتماعی اشاره دارد، لیکن علی‌رغم جذابیت بسیار، حکمرانی به صورت واضح تعریف نشده و از حکمرانی تعاریف متعددی مبتنی بر مجموعه‌ای از اهداف و پیش‌فرض‌های خاص بیان شده است که در ادامه به برخی از این موارد اشاره شده است:

➤ سازمان ملل گزارش حکمرانی و توسعه پایدار انسانی را در سال ۱۹۹۷ منتشر کرد و با انتشار این گزارش ادبیات جدیدی را در مفهوم حکمرانی ایجاد نمود. حکمرانی از دیدگاه برنامه توسعه سازمان ملل ۱ این سازمان بین‌المللی به مفهوم بهره‌گیری از مقامات اجرایی، سیاسی و اقتصادی برای اداره امور تمام سطوح کشور می‌باشد. در تعریف حکمرانی از نظر سازمان ملل سه رکن اساسی شامل بخش خصوصی، جامعه مدنی و دولت وجود دارد که هر سه آنها برای توسعه انسانی پایدار ضروری می‌باشند. در این بین، نقش حکومت این است که محیط قانونی و سیاسی پایدار را ایجاد نماید که منجر به توسعه پایدار شود، درحالی‌که نهادها و سازمان‌های جامعه مدنی روابط متقابل اجتماعی، سیاسی و تحرک گروه‌ها برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تسهیل می‌بخشند (سازمان ملل، ۱۹۹۷).

➤ بانک جهانی^۱، حکمرانی را شیوه استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی کشور برای دستیابی به توسعه تعریف کرده است.

➤ کمیته همکاری‌های توسعه و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه بر یک تعریف از حکمرانی اتفاق نظر دارند. به اعتقاد آنها، حکمرانی یعنی سیستم پیچیده‌ای از تعاملات بین ساختارها، سنت‌ها، کارکردها (مسئولیت‌ها) و فرآیندها (عملکردها) که به وسیله سه ارزش کلیدی یعنی پاسخگویی، شفافیت و مشارکت مشخص می‌شود (دباغ و نفری، ۱۳۸۸).

➤ از نظر کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در حوزه آسیا و اقیانوسیه، حکمرانی فرآیند تصمیم‌گیری است و فرآیندی است که به وسیله آن تصمیمات اجرا می‌شوند (یا اجرا نمی‌شوند). حکمرانی بر فعالان رسمی و غیررسمی که درگیر تصمیم‌گیری و اجرای آن هستند، ساختارهای رسمی و غیررسمی که در آنها تصمیمات اخذ و اجراء می‌شود، تمرکز دارد.

کافمن و همکارانش، حکمرانی را به گونه‌ای گسترده‌تر تعریف کرده‌اند و آن را به مثابه قوانین و نهادهایی می‌دانند که به وسیله قدرت حاکمه در یک کشور ایجاد می‌شوند. این قوانین و نهادها فرآیندهایی که توسط دولت انتخاب، کنترل و جایگزین می‌شوند، ظرفیت برای ایجاد و اجرای کارآمد خط مشی‌های معتبر و توجه شهروندان و دولت نسبت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی بین آنها را ایجاد می‌کنند، را شامل می‌شود (کافمن و همکاران^۲، ۲۰۰۶).

حکمرانی همانند حکومت می‌تواند خوب یا بد باشد. بنابراین، ایده حکمرانی خوب در ادبیات در مقابل حکمرانی ضعیف^۳ مطرح شده است که طی دهه اخیر از مقبولیت زیادی برخوردار شده است. سرمنشا دیدگاه حکمرانی خوب را می‌توان در اندیشه‌های چستربارنارد یافت. از دیدگاه وی، راه حل بسیاری از مسائل مستلزم همکاری و مشارکت شبکه‌هایی از بازیگران سازمان‌های دولتی، بخش خصوصی و نهادهای مردمی است (کامرون^۴، ۲۰۰۳).

حکمرانی خوب بیانگر یک حکمرانی با ویژگی‌های خاصی است که عموماً به تغییرات در نقش، ساختار و فرآیند عملیات دولت یا روش‌های حل مشکلات اجتماعی اشاره دارد (رهنمود و عباسپور، ۱۳۸۶). لیکن با وجود جذابیت بسیار حکمرانی خوب در دهه اخیر، مفهوم آن به روشنی تعریف نشده است. ابهام در تعریف حکمرانی از علل بسیار نشأت می‌گیرد، به ویژه هنگامی که کاربرد حکمرانی در فرآیند اصلاحات اداری مورد توجه قرار می‌گیرد، واضح نیست که در مورد ساختارهای اداری، فرآیندهای اداری، قضاوت مدیریتی، سیستم‌های پاداش و

1. World Bank

2. Kaufman et. al.

3. Poor Governance

4. Cameron

مقررات، فلسفه اداری یا ترکیب این عناصر صحبت می‌کند (هنریچ و لین^۱، ۲۰۰۰). برخی اوقات نیز حکمرانی خوب به طور کلی به هرگونه تغییرات مطلوب برای اصلاحات اداری اشاره دارد، ولی باید توجه داشت که دولت کارآ، دموکراتیک، پاسخگو و شفاف، هدف نهایی نه تنها تئوری‌های جدید مدیریت دولتی بلکه همچنین هدف تئوری‌های سنتی اداره امور عمومی نیز بوده است و آنچه تئوری‌های جدید را از سنتی متمایز می‌کند، ابزارهای دستیابی به آنها است. براین اساس، هر یک از نهادهای ملی و بین‌المللی و محققان ضمن ارائه تعریفی از حکمرانی، مفهوم حکمرانی خوب را نیز برحسب رویکردها (فرآیندی، لیبرالیستی، سوسیالیستی)، ابعاد (سیاسی، اقتصادی و انسانی) و اهداف (توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و توسعه پایدار انسانی) مدنظر خود ارائه نموده‌اند که در ادامه به برخی از این موارد اشاره شده است:

➤ در گزارش برنامه توسعه سازمان ملل (۱۹۹۷) بیان شده است که حکمرانی خوب منجر به ادغام نهادها، فرآیندها و مکانیزم‌ها می‌شود، به نحوی که شهروندان، گروه‌ها و ذی‌نفعان قادر به بیان صریح منافع خود می‌شوند و امکان استفاده از حقوق قانونی و اعلام الزامات خود را پیدا می‌کنند. براساس این مفهوم، حکمرانی خوب تضمین می‌کند که اولویت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مبتنی بر اجماع گسترده جامعه باشد که صدای فقیرترین و آسیب پذیرترین افراد نیز در تصمیم‌گیری‌های تخصیص منابع شنیده شود.

➤ بانک جهانی^۲ در تعریف از حکمرانی خوب به چهار رکن اصلی به صورت ذیل اشاره کرده است:

- بخش عمومی و دولت که وظیفه هدایت و راهبری و برقراری حاکمیت قانون را به عهده دارد.
 - بخش‌های خصوصی که عهده‌دار ایجاد اشتغال، درآمد، تولید، تجارت و وظیفه کسب و کار است.
 - جامعه مدنی که فراهم‌کننده فرصت ابراز وجود مردم و شهروندان است.
 - سازمان‌های محلی که وظیفه بسیج، سازماندهی و اعمال فرهنگ‌های بومی را به عهده دارند.
- تعامل خوب بین ارکان فوق‌زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف فراهم می‌آورد. شایان ذکر است که، حکمرانی خوب صرفاً انجام وظایف نیست بلکه چگونگی و شیوه انجام وظایف را نیز شامل می‌شود. هدف‌ها و روش‌ها، هر دو اهمیت یکسانی برای حکمرانی خوب دارند و لذا هر کشوری می‌تواند شرایط حکمرانی خوب را با فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای خود بیامیزد و آن را بومی نماید (بانک جهانی، ۲۰۰۲).

در تعریف دیگر، بانک جهانی حکمرانی را به عنوان سنت‌ها و نهادهایی تعریف می‌کند که توسط آنها قدرت به منظور مصلحت عمومی در یک کشور، اعمال می‌شود. موضوع محوری حکمرانی خوب در این تعریف چگونگی دست یافتن به حکومتی است که می‌تواند زمینه ساز توسعه‌ای مردم‌سالار و برابر باشد. در این تعریف، حکمرانی خوب شامل سه مولفه یعنی ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های

درست، احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می‌کنند و فرآیندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تفویض می‌شوند، است (سلاطین، ۱۳۸۸).

➤ اتحادیه اروپا حکمرانی خوب را مدیریت شفاف و پاسخگو در یک کشور با هدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی عادلانه و پایدار تعریف می‌نماید و لازمه تحقق آن را احترام سیاست‌مداران و نهادها به حقوق بشر، رعایت اصول دموکراسی، حاکمیت قانون و توزیع عادلانه منابع عمومی اعلام می‌کند (حق شناس، ۱۳۹۲).

➤ بانک توسعه آفریقا^۱، حکمرانی خوب را به عنوان سیاست رسمی حکومت‌ها معرفی می‌کند. حکمرانی خوب از منظر این بانک همان حکمرانی شفاف است که براساس چهار مبنای به هم پیوسته شامل پاسخگویی، شفافیت، قابلیت پیش بینی و مشارکت استوار است.

➤ تعریف یونسکو، حکمرانی خوب به معنای ساز و کارها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا در می‌آورند و تعهدات‌شان را برآورده می‌سازند (برادران شرکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۶).

➤ از نظر سراگلیدن و همکاران^۲ (۱۹۹۱)، حکمرانی خوب به مفهوم استفاده از اختیارات سیاسی و اعمال کنترل بر جامعه و مدیریت منابع آن برای توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. این مقوله در برگیرنده ماهیت کارکرد تشکیلات نهادی و ساختاری حکومت، فرآیندهای تصمیم‌گیری، تدوین سیاست، توانمندی اجرایی، شفاف بودن جریان اطلاعات اثربخشی و کفایت رهبری و ماهیت ارتباط بین حاکمان و مردم است.

➤ ماری رابینسون حکمرانی خوب را فرآیندی می‌داند که براساس آن نهادهای دولتی به شکلی صحیح و به دور از خطا و با محدودیت قانون به مسائل عمومی می‌پردازند، منابع را مدیریت می‌کنند و تحقق حقوق بشر را تضمین می‌کنند.

➤ لیون^۳ (۲۰۰۰) حکمرانی خوب را مدیریت اثربخش منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور می‌داند به گونه‌ای که چنین مدیریتی، شفاف، پاسخگو، عدالت‌جو و باز باشد.

➤ عبدلطیف^۴ (۲۰۰۳) بیان داشتند که حکمرانی خوب، واژه‌ای است که بیانگر تغییر پارادایم نقش دولت و حکومت‌ها است که زمینه را برای مشارکت یکسان و برابر تمام شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری فراهم نموده و بیانگر این واقعیت است که حکمرانی متعلق به مردم است و توسط مردم شکل می‌گیرد.

1. African Development Bank

2. Serageldin et. al.

3. Lyon

4. Abdellatif

➤ هیوگس (۲۰۰۳) معتقد است حکمرانی خوب چیزی بیش از صرفاً مدیریت کارآمد منابع مالی و اقتصادی یا ارائه خدمات عمومی ویژه است؛ بلکه حکمرانی خوب مشتمل بر یک استراتژی اصلاحی وسیع برای تقویت نهادهای جامعه مدنی است و حکومت را بازتر، پاسخگوتر، حساب پس ده‌تر و دموکراتیک‌تر می‌سازد.

۲-۲. حکمرانی و اصول آن در اسلام

در هستی‌شناسی و جهان بینی اسلام، حاکمیت الهی به عنوان حاکمیت ایده‌آل و تنها شکل مقبول حاکمیت است و حکومت به عنوان ابزار برای عینیت بخشیدن به حاکمیت الهی تلقی شده است (سردار نیا و شاکری، ۱۳۹۳).
براین اساس، حکمرانی اسلامی از منظر هستی‌شناسی اولاً، به جای اصالت فرد به اصالت جامعه معتقد است؛ زیرا ریشه در لیبرالیسم دارد. ثانیاً، از نظر انسان‌شناسی، معتقد به اومانیزم نیست و همه چیز را در محور خدا - نه انسان - ارزیابی می‌کند. ثالثاً، از نظر معرفت‌شناسی معتقد به تمامی عوامل معرفتی است و صرفاً قائل به اصالت حواس نیست. براساس ایدئولوژی اسلام، مقام معظم رهبری براین عقیده‌اند که حکمرانی اسلامی هم به توسعه مادی و اقتصادی توجه دارد و هم به بعد معنوی و متعالی انسان، و هریک را بدون دیگری ناقص و ناکارآمد می‌دانند.

یکی از بهترین نمونه‌های حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی را می‌توان در حکومت حضرت علی (ع) مشاهده کرد، چرا که نگاه امام علی به حکمرانی و حکومت نگاه الهی است، نگاهی که با نگاه دنیامدارانه و قدرت محورانه تفاوت اساسی دارد. ایشان با جهت‌گیری اخلاقی و هنجاری، هدف خود از حکومت را گرفتن حق مظلومین از ظالمین و ستمگران می‌داند و زمانی که مردم با شور و شوق فراوان برای بیعت به پیشگاه ایشان هجوم آوردند، هدف و آرمان خود در امر خلافت را مبارزه با فساد و برقراری عدالت عنوان کردند (امام‌قلی‌پور و آسمانه، ۱۳۹۵).
براین اساس می‌توان گفت هدف از تشکیل حکومت و حکمرانی در اسلام، تنها اعمال قدرت نیست بلکه یکی از اهداف اصلی آن رسیدگی به حقوق محرومان و دفاع از مظلومان می‌باشد. به علاوه، امام علی در بخشی از نهج البلاغه گسترش معنویت، ایجاد امنیت و افزایش رفاه در جامعه به خصوص احقاق حق افراد ستم‌دیده و حاکمیت قانون را از جمله اهداف حکومت خود بیان کرد (همچنین امام علی (ع) در نامه‌ای که در سال ۳۸ هجری قمری برای مالک اشتر به مناسبت برگزیدن وی به فرماندار مصر نوشته است، تقریباً تمام اصول و مولفه‌هایی را که برای حکمرانی خوب لازم است، بیان کردند. جامعیت این نامه در واقع مانند یک منشور حکومتی است که تمام اصول حکمرانی خوب نظیر مردم‌گرایی، هشدار به ریختن خون ناحق، خودپسندی، منت‌گذاری، شتاب‌زدگی، امتیازخواهی، عفو و صلح مردم، شادی نکردن برای مجازات و شتاب نداشتن در خشم، خود را امیر ندانستن، قطع ریشه هر دشمنی، وادار نکردن اطرافیان به ستایش و تملق‌گویی، یکسان قرار ندادن نیکوکار و بدکار، خشکاندن ریشه هر گونه خودخواهی، چپاولگری و بی‌انصافی خواص و خویشتن، اجتناب از خونریزی

و ... در آن مشهود است (شاه آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲). علاوه بر این، شاخص های حکمرانی خوب براساس سیره حکومت امام علی در مطالعات و بیانات مختلف نیز ارائه شده است که از آن جمله می توان به بیانات رهبر در شهریور سال ۱۳۸۵ اشاره نمود که حکمرانی اسلامی را متشکل از ۱۵ اصول شامل عدالت خواهی و عدالت گستری، فساد ستیزی، سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور به ویژه در سطح عالی رتبه، ساده زیستی و مردم گرایی، تواضع، پرهیز از اسراف، خودگرایی، تدبیر و حکمت در تصمیم گیری و عمل، وسعت نظر (سعه صدر) و تحمل مخالف، پرهیز از منافع شخصی و گروهی (هوای نفس)، شجاعت و قاطعیت در بیان و عمل که حق است، انس با خدا و قرآن و استمداد دائمی از خدا، تلاش بی وقفه برای ارائه خدمت عمومی، شایسته سالاری در انتصاب کارگزاران حکومتی، نظارت بر عملکرد و اطمینان از صحت عمل دستگاهها، قانونگرایی، بهبود مستمر نظام و ساختار دولتی، پرهیز از تصدی گری، تمرکز زدایی، اطلاع رسانی و شفافیت اطلاعات، حفظ سرمایه های ملی (محیط زیست) با توجه به فرهنگ به عنوان محیط زیست انسانی در جامعه مشارکت مردم در تصمیم سازی و تصمیم گیری در عرصه ملی و جهانی معرفی کردند (امامقلی پور و آسمانه، ۱۳۹۵).

با توجه به شاخص های مذکور می توان گفت در حکمرانی حضرت علی (ع) نه تنها شاخص های حکمرانی خوب عنوان شده توسط نهادهای بین المللی یعنی پاسخ گوایی و حق اظهار نظر، ثبات سیاسی و نبود خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون، و کنترل فساد به صورت کمال و تمام وجود داشته است، بلکه فراتر از آن، حکمرانی خوب از دیدگاه امام مولفه هایی نظیر فرهنگ و اصلاحات فرهنگی، تامین نیازهای اساسی مردم و فقرزدایی، شایستگی کارگران و ضرورت مشورت در حکمرانی را در بر می گیرد که از سوی نظریه پردازان غربی مورد غفلت واقع شده است (شاه آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲).

۲-۳. حکمرانی سازمانی

حکمرانی خوب در ابعاد و با رویکردها و اهداف گوناگون تعریف می شود. بسیاری از این تعاریف تاکید بر فرایندها، ساختارها و ترتیباتی دارد که مربوط به اداره یک واحد از یک سازمان و یا به تعبیری حکمرانی در محیط سازمانی^۱ است. حکمرانی سازمانی در برگیرنده فرایندها، ساختارها و ترتیباتی است که مربوط به اداره یک واحد از یک سازمان و یا به تعبیری حکمرانی در محیط سازمانی است. این حکمرانی سازمانی که معمولاً پاسخگوی عده زیادی از ذی نفعان هستند مانند شرکت های کسب و کار و سازمانهای عمومی مانند بیمارستان ها، مدارس، شرکت های دولتی و غیره را شامل می شود (گراهام^۲، ۲۰۰۳) و در پی تشخیص رابطه علی میان ویژگی های

1. Organizational Governance

2. Graham

زیرساختی و انگیزه‌ای سازمان به خصوص مسئولیت‌پذیری، شفافیت، حق اظهارنظر و پاسخگویی با چگونگی عملکرد سازمان هستند (سالمینن و ایکول نورباککا^۱، ۲۰۱۰؛ اوکات^۲، ۲۰۰۱).

حکمرانی خوب سازمانی، چارچوبی متشکل از ترتیباتی برای پاسخگویی (درونی و بیرونی) و اطمینان از حصول دستاوردهای مورد انتظار برای ذی‌نفعان، ارباب رجوع، پرسنل و مدیریت سازمان است و باعث می‌شود که فساد به حداقل ممکن کاهش یابد، دیدگاه‌های اقلیت‌ها به حساب آورده شده و نیازهای حال و آینده جامعه پاسخ گفته شود. این چارچوب - به ویژه در بخش دولتی - متشکل از اصولی مانند تعهد قوی به ارزش‌های اخلاقی و احترام به احکام قانون، تعامل جامع با ذی‌نفعان، بهینه‌سازی دستیابی به دستاوردهای مورد نظر، توسعه ظرفیت سازمان، مدیریت ریسک و مدیریت عملکرد، شفافیت، گزارشگری و حسابرسی جهت پاسخگویی موثر، نتیجه‌گرایی و ... است که برای فعالیت در حوزه منافع عمومی لازم است (سازمان صاحب امتیاز مالیه و حسابداری دولتی و فدراسیون بین‌المللی حسابداران، ۲۰۱۴).

به طور کلی حکمرانی سازمانی در پی آن است تا سازمان بتواند بر اساس مشاوره کارآمد با ذی‌نفعان درونی و بیرونی، بکارگیری روشهای نوین انجام وظایف (به خصوص با استفاده از سامانه‌های الکترونیک و یکپارچه)، در اختیار داشتن اطلاعات مناسب و پشتیبانی از تصمیم، تشکیلاتی به‌وجود آورد که او را قادر به برنامه‌ریزی و ارائه ستاده‌ها و نتایج مورد نیاز برای پاسخگویی درونی و بیرونی سازد.

۴-۲. اصول حکمرانی خوب در سازمان‌های دولتی

❖ چارچوب بین‌المللی حکمرانی خوب در بخش دولتی

حکمرانی متشکل از ترتیباتی برای اطمینان از حصول دستاوردهای مورد انتظار برای ذی‌نفعان است. عملکرد اساسی و بنیادی حکمرانی خوب در بخش دولتی نیز اطمینان از این موضوع است که سازمان‌های دولتی درحالیکه همواره در راستای منافع عمومی عمل می‌کنند، به نتایج مورد انتظارشان دست یابند. بنابراین، این امر مستلزم ایجاد یک مبنا و پایه برای حکمرانی خوب در سازمان‌های دولتی است. از این‌رو، سازمان صاحب امتیاز مالیه و حسابداری دولتی و فدراسیون بین‌المللی حسابداران به طور مشترک با هدف توسعه حکمرانی قوی در سازمان‌های دولتی در سال ۲۰۱۴، اقدام به ارائه چارچوب بین‌المللی حکمرانی خوب در بخش دولتی نمودند. این چارچوب بین‌المللی متشکل از ۷ اصل اساسی به شرح زیر است که برای فعالیت در حوزه منافع عمومی لازم است:

۱. رفتار با امانت، تعهد قوی به ارزش‌های اخلاقی و احترام به احکام قانون

۲. اطمینان از باز بودن^۳ و تعامل جامع با ذی‌نفعان

1. Salminen and Ikol-Norrbacka

2. Okot

3. Openness

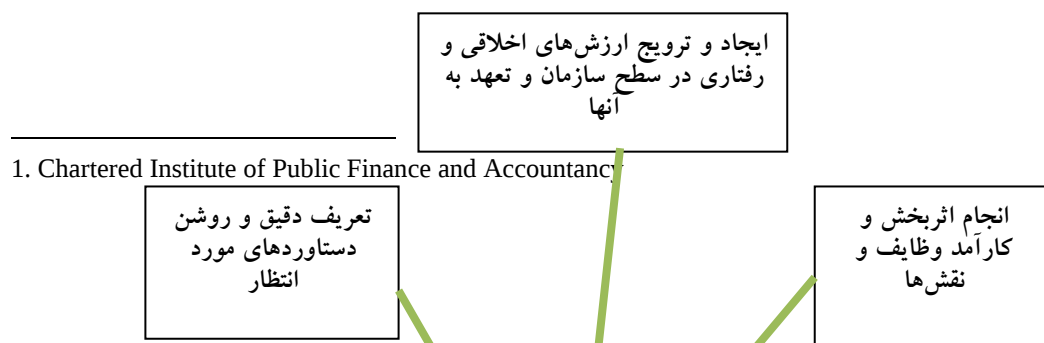
۳. تعریف دستاوردها از منظر منافع پایدار اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی
۴. تعیین مداخلات ضروری برای بهینه‌سازی دستیابی به دستاوردهای مورد نظر
۵. توسعه ظرفیت سازمان شامل ظرفیت رهبری و افراد زیر مجموعه
۶. مدیریت ریسک و مدیریت عملکرد از طریق کنترل داخلی و مدیریت مالیه عمومی قوی
۷. شفافیت، گزارشگری و حسابرسی جهت پاسخگویی موثر

❖ استاندارد حکمرانی خوب برای خدمات دولتی

کمیسیون مستقل حکمرانی خوب در خدمات دولتی با همکاری مشترک نهاد صاحب امتیاز مالیه و حسابداری دولتی (CIPFA)¹ و سازمان مدیریت دولتی در لندن در سال ۲۰۰۴، استاندارد حکمرانی خوب را در سازمان‌های دولتی و خدماتی، طی بیانیه‌ای منتشر کردند. استاندارد حاکمیت خوب برای خدمات دولتی جهت استفاده تمام سازمان‌ها و شرکت‌هایی که با بودجه عمومی برای دولت کار می‌کنند، ارائه شده است و هدف اصلی از ارائه آن، فراهم نمودن راهنمایی برای اشخاص در ارتباط با حکمرانی خدمات دولتی بوده است تا این اشخاص نه تنها اصول مشترک حکمرانی خوب را درک و از آن استفاده کنند، بلکه قادر به ارزیابی قدرت و ضعف حکمرانی فعلی و ارتقاء آن نیز باشند. همچنین، استاندارد مذکور برای حکمرانانی که تلاش می‌کنند، کارهای دشوار را به بهترین شکل انجام دهند و برای اشخاص و گروه‌هایی که علاقمند بررسی دقیق و موشکافانه کارآمدی و اثربخشی دولت هستند، مفید است.

استاندارد حکمرانی خوب برای خدمات دولتی متشکل از ۶ اصل به شرح زیر است:

۱. تمرکز بر اهداف سازمانی و دستاوردهای مربوط به شهروندان و کاربران خدمات
 ۲. عملکرد موثر در وظایف و نقش‌هایی که به طور روشن تعریف شده‌اند
 ۳. ترویج ارزش‌ها برای کل سازمان و نشان دادن ارزش‌های حکمرانی خوب از طریق رفتار
 ۴. تصمیم‌گیری آگاهانه و شفاف و مدیریت ریسک
 ۵. توسعه و گسترش ظرفیت و قابلیت بدنه حاکمیت در راستای اثربخشی
 ۶. مشارکت دادن ذی‌نفعان و پاسخگویی واقعی (تفضلی و همکاران، ۱۳۹۵).
- بنابراین، براساس تلفیق مولفه‌های مذکور می‌توان گفت، الگوی مفهومی حکمرانی خوب (اصول حکمرانی) در سازمان دولتی نظیر سازمان امور مالیاتی کشور به شرح شکل (۱) می‌باشد.



شکل (۱). مدل مفهومی حکمرانی خوب در سازمان‌های دولتی بر اساس ادبیات موجود

۲-۵. مطالعات تجربی

جلال و موسوی نیا (۱۳۹۷) در مقاله خود با اشاره به حکمرانی شایسته به عنوان یکی از دغدغه‌های ذهنی بشر کنونی در حوزه‌های اجتماعی، با رجوع به اندیشه اسلامی و سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)، مولفه‌های اساسی حکمرانی شایسته در دوره ۱۰ ساله حکومت ایشان در مدینه النبی استخراج شد. براساس این بررسی شاخص‌هایی نظیر قانونگرایی، فسادستیزی، رفق و مدارا، عدالت محوری، مشارکت طلبی، اثربخشی و پاسخگویی برای حکمرانی شایسته معرفی و تلاش پیامبر اسلامی برای تحقق هر یک از شاخص‌های مذکور بیان شده است. برای مثال حضرت در راستای قانونگرایی ضمن وضع قوانین لازم در مدینه، خود و اطرافیان و تمامی مسلمانان را به رعایت و احترام به قانون سفارش نموده است.

تاش و واثق (۱۳۹۳) در مقاله‌ای پس از بررسی حکمرانی خوب و شاخص‌های آن، به روش توصیفی - تحلیلی، حکمرانی شایسته و شاخص‌های آن را از دیدگاه حضرت علی(ع) تجزیه و تحلیل کرده‌اند. در انتها به مقایسه تعدادی از شاخص‌های حکمرانی شایسته از دیدگاه آن حضرت با شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه نهادهای

بین‌المللی و اندیشمندان غرب، مانند پرداخته‌اند. از نظر آنها حکمرانی خوب با محوریت انسان و با رویکرد این جهانی، مبتنی بر ماده گرایی، دنیاگرایی و اومانیسم است؛ و حکمرانی شایسته خدا محوری و مبتنی بر حکومت نبوی و علوی است. مولفین مقاله معتقدند که می‌توان از هر دو دیدگاه شاخص‌های یکسانی در نظر گرفت اما باید توجه داشت که محتوا و مبانی فلسفی آنها متفاوت است. بر این اساس دو دیدگاه حکمرانی شایسته و حکمرانی خوب شاخص‌های پاسخ‌گویی، کارایی و اثربخشی، مبارزه با فساد، شفافیت، و قانون‌گرایی را مقایسه شده است.

سردارنیا و شاکری (۱۳۹۳) با تفاوتی چند در انتخاب شاخص‌های حکمرانی خوب شامل قانون‌گرایی، شفافیت اطلاعات، مبارزه با فساد، تساوی و برابری شهروندان، مشارکت و پاسخگویی، به مقایسه آنها از دو دیدگاه بین‌المللی و اسلامی (نهج‌البلاغه) پرداخته‌اند. وجوه غالب در این مقایسه از منظر نهج‌البلاغه عبارت است از: حاکمیت خداوند، چارچوب شرع مقدس اسلام و کمال انسانی.

شاه آبادی و جامه بزرگی (۱۳۹۲) در مقاله خود نشان دادند نظرات و عملکرد امام علی (ع) با شش مولفه مطرح شده تحت عنوان حکمرانی خوب بانک جهانی نه تنها منافاتی ندارد، بلکه حکمرانی خوب از دیدگاه امام مولفه‌هایی نظیر فرهنگ و اصلاحات فرهنگی، تامین نیازهای اساسی مردم و فقرزدایی، شایستگی کارگران و ضرورت مشورت در حکمرانی را در بر می‌گیرد که از سوی نظریه پردازان غربی مورد غفلت واقع شده است.

۳. طراحی مدل مفهومی حکمرانی در سازمان امور مالیاتی کشور

در این مقاله شناسایی مولفه‌های حکمرانی با رویکرد اسلامی و حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی در سطح سازمان امور مالیاتی کشور مدنظر است. محققان با بررسی پیشینه پژوهش به این نتیجه رسیدند که حکمرانی در اکثر موارد در سطح کلان (کشوری) و در سطح خرد نیز بیشتر بر حاکمیت شرکتی که مختص سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی است، مورد بررسی قرار گرفته و در سطح سازمان‌های دولتی تعداد معدودی مطالعه وجود دارد که صرفاً حاوی تبیین مولفه‌های حکمرانی خوب در بخش خدمات دولتی است. در این ارتباط، تقریباً باور عمومی براین است که مولفه‌های حکمرانی در سازمان‌های دولتی ارائه دهنده خدمات عمومی مشترک هستند، لذا در این مقاله نیز با توجه به این باور و با عنایت به فرآیندها و امور مرتبط با سازمان امور مالیاتی کشور تمامی مولفه‌ها و زیر مولفه‌های مرتبط با حکمرانی در این سازمان از دیدگاه بین‌المللی و دیدگاه اسلامی استخراج و در جدول شماره (۱) ارایه شده است.

جدول (۱). مولفه‌های اصلی و زیرمولفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی و اسلام

در سازمان امور مالیاتی

زیرمؤلفه‌های حکمرانی در دیدگاه اسلامی تمامی زیر مؤلفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی مورد قبول است، لذا در این ستون فقط زیرمؤلفه‌های خاص حکمرانی از دیدگاه اسلامی ارائه شده است.	زیرمؤلفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی	مؤلفه‌های اصلی
ارائه گزارش‌ها، آمارها، نتایج تجزیه و تحلیل‌ها و مطالعات مبتنی بر راست‌گویی و صداقت که تضمین‌کننده رشد و کمال انسان است.	۱. ارائه گزارش عملکرد سالانه از مدیریت منابع و مصارف به دولت ۲. ارائه گزارش عملکرد تفصیلی سالانه در مورد اهداف، استراتژی و برنامه‌ها، اقدامات و نتایج به دولت در چارچوب استاندارد مورد توافق ۳. ارائه آمارهای به موقع و متنوع و تجزیه و تحلیل آنان (انتشار عمومی اطلاعات آماری مورد نیاز فعالان اقتصادی (مانند نرخ‌های مالیاتی، تغییرات معافیت‌های مالیاتی و ...))، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و تحلیلگران اقتصادی به صورت دوره‌ای و بروزرسانی به موقع آنها) ۴. انجام مطالعاتی در زمینه نظرات عمومی در مورد کیفیت خدمات ارائه شده توسط سازمان امور مالیاتی و انتشار یافته‌های آن ۵. وجود نظام فعال و کارآمد مدیریت خدمات کاربران	۱. پاسخگویی - در حکمرانی خوب در قبال ذی‌نفعان - در رویکرد اسلامی در مقابل خداوند و ذی‌نفعان
- تعامل مطابق با شئون اسلامی از جمله پرهیز از اتلاف منابع (مالی و زمانی) ذی‌نفعان خارجی و داخلی. - جلوگیری از اتلاف بیت‌المال	۱. ابلاغ و اطلاع‌رسانی به موقع و مناسب قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های لازم الاجراء توسط مودیان مالیاتی به آنها ۲. کاهش بوروکراسی اداری از طریق افزایش بکارگیری مکانیزاسیون (مالیات الکترونیک) و ساده‌سازی رویه‌های مالیاتی ۳. ایجاد و حفظ روابط با حکمرانان سایر سازمان‌ها (از طریق تبادل مطلوب و سریع‌تر اطلاعات با آنها و برگزاری جلسات متعدد پیرامون وظایف مشترک)	۲. تعامل جامع با ذی‌نفعان (خارجی و داخلی)

زیرمؤلفه‌های حکمرانی در دیدگاه اسلامی تمامی زیر مؤلفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی مورد قبول است، لذا در این ستون فقط زیرمؤلفه‌های خاص حکمرانی از دیدگاه اسلامی ارائه شده است.	زیرمؤلفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی	مؤلفه‌های اصلی
	۴. بکارگیری سامانه‌های پاسخگویی برای دریافت نظرات و شکایات کاربران خدمات و رفع مشکلات آنها ۵. معرفی نظام مدیریت ذی‌نفعان در ساختار تشکیلاتی سازمان (شناسایی ذی‌نفعان و اولویت‌بندی آنها بر حسب نوع انتظاری که از سازمان امور مالیاتی دارند) ۶. وجود سازوکارهای ارتقاء سطح همکاری‌های بین‌المللی سازمان جهت عقد موافقت‌نامه‌های اجتناب از پرداخت مالیات مضاعف ۷. وجود نظام ایده‌ها و پیشنهادات برای مشورت با کارکنان و مشارکت دادن آنها در تصمیم‌گیری ۸. وجود نظام ایده‌ها و پیشنهادات و برگزاری جلسات برای مشورت با بخش خصوصی و سایر مودیان مالیاتی و مشارکت دادن آنها در تصمیم‌گیری	
- استفاده از ظرفیت‌های مادی و معنوی حکمرانان - برپایی نظام ارزشیابی و انگیزشی مبتنی بر عدالت و موازین اسلامی (بهره‌وری، تجربه، اخلاق اسلامی، رعایت مساوات در قضاوت، و...)	۱. وجود ذهنیت و تمایل عمومی برای ارتقاء سازمان در تمامی سطوح ۲. مشخص بودن و انتشار شرح خدمات پست‌های مختلف سازمانی و نحوه ارتباط آن با سایرین ۳. وجود نظام مدیریت منابع انسانی متشکل از نظام آموزشی و ارتقاء مهارت کارکنان با توجه به نیازهای شغلی، نظام پاداش و ارتقاء کارآمد در ساختار تشکیلاتی سازمان و نظام (کمیت) انتصابات در ساختار تشکیلاتی سازمان برای استخدام افراد جدید منطبق بر نیازهای سازمانی	۳. ظرفیت‌سازی و انجام اثربخش وظایف توسط ذی‌نفعان داخلی (کارکنان و مدیران)

زیرمؤلفه‌های حکمرانی در دیدگاه اسلامی تمامی زیر مؤلفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی مورد قبول است، لذا در این ستون فقط زیرمؤلفه‌های خاص حکمرانی از دیدگاه اسلامی ارائه شده است.	زیرمؤلفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی	مؤلفه‌های اصلی
	۴. بکارگیری نظام ارزشیابی برای بررسی عملکرد کارکنان و تخصیص پاداش به آنها بر این اساس ۵. بهره‌گیری از تجربیات نیروی انسانی باتجربه در سازمان ۶. ارائه گزارش دوره‌ای توسط مدیران در خصوص عملکردشان	
- استفاده از روش‌های پیشگیری از وقوع تخلفات اداری از طریق آموزش‌های اخلاق دینی به کارکنان، انتخاب حکمرانان براساس معیار عدالت اسلامی که مبتنی بر دسترسی برابر به امکانات است، - استفاده از روش‌های نظارتی و بازرسی، و مبارزه با فساد مبتنی بر آموزه‌های شریعت اسلام (حلال و حرام)	۱. وجود نظام رسیدگی به تخلفات اداری در راستای رعایت قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد ۲. تدوین دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های رفتاری و اخلاقی برای کارکنان و مدیران در قبال مسئولیت‌های سازمانی و و تکریم ارباب رجوع ۳. اطلاع رسانی به موقع و مناسب قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های لازم الاجراء توسط کارکنان به آنها ۴. بکارگیری دستورالعمل‌های رفتاری و ارزشی توسط مدیران دولتی در عمل (انجام مسئولیت‌ها در قبال سازمان و ذی نفعان)	۴. ایجاد و پابندی ارزش‌های اخلاقی و رفتاری در سازمان
- پای‌بندی و اعتقاد به قوانین الهی، قراردادهای اجتماعی و قوانین مصوب قوه مقننه در اجرای قوانین و مقررات مالیاتی - هماهنگی و همسوسازی طرح‌ها و لوایح پیشنهادی با در نظر گرفتن ملاحظات اسلامی	۱. وجود نظام جامع قوانین و مقررات امور مالیاتی در راستای کاهش تعداد قوانین و مراجع ۲. هماهنگی و همسوسازی قوانین و مقررات امور مالیاتی با قوانین و مقررات مرتبط ملی ۳. هماهنگی و همسوسازی قوانین و مقررات امور مالیاتی با قوانین و مقررات مرتبط بین‌المللی	۵. احترام به احکام قوانین و مقررات موضوعه

زیرمولفه‌های حکمرانی در دیدگاه اسلامی تمامی زیر مولفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی مورد قبول است، لذا در این ستون فقط زیرمولفه‌های خاص حکمرانی از دیدگاه اسلامی ارائه شده است.	زیرمولفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی	مولفه‌های اصلی
- آزادی جریان اطلاعات که تضمین کننده کمال انسانی است. - بکارگیری مشاوران حرفه‌ای مالی و حقوقی که علاوه بر دارا بودن دانش روز آگاه به مسائل اسلامی باشند.	۱. اجرای کارآمد طرح جامع مالیاتی ۲. وجود سیستم اطلاعات مدیریت (که اطلاعات را از منابع مختلف در سطح سازمان برای تصمیم‌گیری در رده مدیریتی جمع‌آوری و پردازش نماید). ۳. وجود کمیته مشورت و تصمیم‌گیری در سطوح مختلف مدیریتی ۴. بکارگیری مشاوران حرفه‌ای در زمینه‌های مالی و حقوقی در سطح حکمرانان و واحدهای تصمیم‌گیری ۵. مشخص بودن اهداف مرتبط با تصمیمات مآخوذه در سطوح مدیریتی ۶. بکارگیری استراتژی‌ها و سیاست‌های پیش بینی شده در انجام وظایف	۶. تصمیم‌گیری آگاهانه و شفاف توسط حکمرانان سازمان امور مالیاتی کشور
- تدوین ساختارها و فرآیندهای مالیاتی بر مبنای اصول پیمان‌های اسلامی از جمله رعایت خوش عهدی در استرداد مالیاتی، - بهره‌مندی از دانش و تکنولوژی‌های روزآمد در فرایند اخذ مالیات، براساس توصیه‌های اولیه دین اسلام.	۱. جایگاه مناسب نظام مدیریت ریسک در ساختار تشکیلات سازمانی ۲. بکارگیری مالیات الکترونیک در فرآیندهای امور مالیاتی (ثبت نام مودیان مالیاتی، پرداخت مالیاتی، دریافت گواهی های اعتبار ثبت نام، تکمیل اظهارنامه مالیاتی، ثبت اعتراضات، درخواست استرداد و ...) ۳. وجود کمیته‌های فعال و کارآمد مدیریت ریسک در حوزه‌های استانی و محلی ۴. پایش، ارزیابی و نظارت بر عملکرد سازمان در حوزه‌های مختلف و در برآورده کردن انتظارات ذی‌نفعان	۷. مدیریت ریسک مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی

زیرمؤلفه‌های حکمرانی در دیدگاه اسلامی تمامی زیر مؤلفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی مورد قبول است، لذا در این ستون فقط زیرمؤلفه‌های خاص حکمرانی از دیدگاه اسلامی ارائه شده است.	زیرمؤلفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی	مؤلفه‌های اصلی
	۵. اصلاح ساختارها و فرآیندهای مالیاتی مبتنی بر الزامات مدیریت ریسک مانند انجام ارزیابی و رسیدگی به صورت تصادفی و مبتنی بر مدیریت ریسک و ... ۶. اجرای بودجه ریزی عملیاتی و مدیریت دقیق درآمدها و هزینه‌ها ۷. مشخص و شفاف بودن راهبردهای مدیریت ریسک و عدم وابستگی آن به تغییرات حکمرانان ۸. اجرای طرح آمایش سرزمین به منظور تمرکز امکانات سازمانی برحسب مناطق ریسک پذیر ۹. وجود بانک‌های اطلاعاتی یکپارچه	

ماخذ: یافته‌های تحقیق

همانطور که از این جدول مشخص است، حکمرانی در سازمان امور مالیاتی کشور از دیدگاه نهادهای بین‌المللی از هفت مؤلفه اصلی تشکیل شده که این مؤلفه‌ها در دیدگاه اسلامی نیز قابل قبول و صادق است، البته از لحاظ شکلی ولی از لحاظ ماهوی باید مشروط به سازگاری با جهان بینی و هستی شناسی اسلام باشد. براین اساس، زیرمؤلفه‌های حکمرانی در دیدگاه اسلامی فراتر از حکمرانی خوب از دیدگاه نهادهای بین‌المللی است. در ادامه هر یک از مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های مرتبط براساس دو دیدگاه اسلامی و نهادهای بین‌المللی توضیح داده شده است:

❖ تعامل جامع با ذی‌نفعان (خارجی و داخلی)

ذی‌نفعان سازمان امور مالیاتی کشور را افراد یا سازمان‌هایی تشکیل می‌دهند که منافع آنها از طریق عملکرد این سازمان تحت تاثیر قرار می‌گیرد. براساس حکمرانی خوب ذی‌نفعان سازمان امور مالیاتی می‌توانند داخلی یا خارجی باشند، ذی‌نفعان داخلی تمامی سطوح سازمان در ساختار سلسله مراتبی (ساختار تشکیلاتی سازمان) را شامل می‌شوند، در حالیکه ذی‌نفعان خارجی افراد و سازمان‌هایی خارج از سازمان هستند و به طور کلی در چهار

دسته عمده شامل مودیان مالیاتی (اشخاص حقیقی و حقوقی)، دولت، سایر سازمان‌ها و سایر کشورها قابل تقسیم‌بندی می‌باشند اما در رویکرد اسلامی خداوند به عنوان ذی نفع اصلی که محور امور است مدنظر می‌باشد، به طوریکه پاسخگویی متقابل دولت، نهادهای مدنی، شهروندان و بخش خصوصی در مقابل یکدیگر و در مقابل خداوند مطرح می‌باشد (سبحانی، ۱۳۸۲ به نقل از تاش و واثق ۱۳۹۳).

۱. مودیان مالیاتی

این دسته از ذی‌نفعان صاحبان کالا و فعالان اقتصادی شامل واردکنندگان، صادرکنندگان، حق‌العملکاران، ترخیص‌کاران و شرکت‌های حمل و نقل و .. و همچنین اشخاص حقیقی اعم از حقوق‌بگیران را در بر دارد. عمده توجه و انتظار این دسته از ذی‌نفعان از سازمان امور مالیاتی بر سهولت و سرعت انجام امور مالیاتی در رویه‌های مختلف به خصوص در حوزه استرداد مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد. این خواسته خود را در شاخص‌های زمان و هزینه تمکین ذی‌نفعان مذکور برای انجام امور مالیاتی نمایان می‌سازد که وابستگی زیادی به میزان بوروکراسی اداری در سازمان مذکور دارد.

۲. دولت

سازمان امور مالیاتی کشور یکی از مهمترین سازمان‌های وصول‌کننده منابع عمومی دولت (درآمد مالیات‌های مستقیم و کالاهای و خدمات) جهت تامین هزینه‌های جاری است و از این منظر منافع دولت به سازمان مذکور وابسته است. ضمن اینکه این سازمان یکی از سازمان‌های اجرائی دولت است که انجام بخشی از وظایف خدمت‌رسانی دولت به مردم و ارائه خدمات عمومی بر عهده آن قرار دارد. براین اساس، دولت به عنوان یکی از ذی‌نفعان عمده به شمار می‌آید و انتظار دارد که سازمان امور مالیاتی کشور با ایجاد و حفظ روابط با حکمرانان سایر سازمان‌ها و در نتیجه تبادل مطلوب و سریع‌تر اطلاعات با آنها در انجام وظایف خود به طور موثر و اثربخش عمل نماید.

۳. سایر سازمان‌ها

سازمان امور مالیاتی کشور به عنوان یک سازمان دولتی زیرمجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی است و با توجه به نقشی که در اجرای قوانین مالیاتی دارد، درگیر مناسبات و روابط با سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و نظارتی است. به طوریکه برای شناسایی مودیان و اطمینان از انجام صحیح تکالیف توسط آنها و همچنین اعمال جریمه‌های مرتبط با عدم تمکین به همکاری بانک مرکزی و وزارتخانه‌هایی چون وزارت صنعت، معدن تجارت، وزارت دادگستری (سازمان ثبت اسناد) و ... جهت دسترسی به پایگاه اطلاعات رسمی و معتبر و اجرا نیازمند است. بنابراین، سازمان امور مالیاتی می‌تواند با شناخت انتظارات هر یک از این سازمان‌ها و ارگان‌ها و به واسطه تبادل مطلوب و سریع‌تر اطلاعات با این سازمان‌ها ارتباطی موثر با آنها و در نتیجه بهبود عملکرد خود داشته باشد.

۴. سایر کشورها

سازمان امور مالیاتی کشور به واسطه مقوله اجتناب از پرداخت مالیاتی مضاعف باید با سایر کشورها تعامل و همکاری داشته باشد.

با توجه به مطالب مذکور و براساس شناخت سازمان و مفاهیم موجود در ادبیات مربوطه، ۸ زیرموضوع به شرح جدول (۱) برای مولفه تعامل جامع با ذی نفعان در نظر گرفته شد که سازمان امور مالیاتی کشور برای دستیابی به حکمرانی خوب باید این موارد را مدنظر قرار دهد. در دیدگاه اسلام، علاوه بر مقبولیت مولفه تعامل جامع با ذی نفعان (خارجی و داخلی) و زیر موضوعهای آن از منظر بین المللی، ضرورت دارد تعامل مطابق با شئون اسلامی از جمله پرهیز از اتلاف منابع (مالی و زمانی) ذی نفعان خارجی و داخلی باشد و نیز از اتلاف بیت المال جلوگیری شود.

❖ پاسخگویی

پاسخگویی سازمان امور مالیاتی کشور به معنای شناخت حقوق ذی نفعان است تا اینکه بدانند چه اعمالی باید انجام دهد تا انتظارات آنها را برآورده سازد. سازمان امور مالیاتی کشور به واسطه ارتباط تنگاتنگی که با آحاد جامعه و تمام سازمانهای فعال در کشور دارد، دارای ذی نفعان زیادی است که براساس انواع آنها پاسخگوییهای مختلفی باید انجام دهد که عبارتند از:

- پاسخگویی عمومی: براساس منشور اخلاقی و اداری کارمندان دولت، سازمانهای دولتی برای مردم ایجاد می شوند و باید در برابر آنها پاسخگو باشند. از این منظر، حکمرانان سازمان امور مالیاتی کشور در برابر تمامی کاربران خدمات این سازمان پاسخگو هستند. در واقع بسیاری از ذی نفعان مانند اصناف، تولیدکنندگان، صادرکنندگان و وارد کنندگان و ... نیازمند مشارکت سازمان در فرآیند تصمیم سازی فعالیت های اقتصادی خود هستند. بنابراین، سازمان می تواند با ارتقاء حکمرانی خوب از طریق پاسخگویی و اقداماتی چون انتشار آمارهای به هنگام و صحیح، انجام تجزیه و تحلیل آماری و ارائه بازخوردهای لازم و مورد نیاز، ذینفعان خود را در تصمیم گیری های مهم اقتصادی یاری کند.

- پاسخگویی قانونی و سیاسی: این نوع پاسخگویی در برابر نهادی است که مشروعیت سیاسی دارد و سازمان امور مالیاتی کشور به موجب قانون باید در خصوص رعایت قوانین و مدیریت امور به آن پاسخگو باشد. در این ارتباط لازم به ذکر است، سازمان به واسطه قانون مالیاتهای مستقیم، مالیات بر ارزش افزوده و سایر قوانین موضوعه و نقشی که در وصول مالیات و عوارض ایفاء می کند، یکی از سازمانهای وصول کننده منابع درآمدی دولت است و از این منظر انطباق مالی دولت در گرو انطباق مالی و عملکرد موثر سازمان مذکور می باشد. از این رو، دولت به منظور برنامه ریزی مالی و تخصیص

بهینه منابع به مصارف در قالب بودجه سنواتی نیازمند آگاهی از میزان وصولی درآمد سازمان امور مالیاتی کشور است.

- پاسخگویی مالی: حکمرانان سازمان امور مالیاتی کشور در مقابل وجوه دریافتی از دولت که بابت اجرای وظایف به عنوان دستگاه اجرایی دریافت می‌دارند، پاسخگو می‌باشند. در این ارتباط، سازمان مذکور به عنوان یک سازمان دولتی علاوه بر نقش درآمدزایی، همانند هر سازمان دولتی با دریافت بودجه از دولت اقدام به ارائه خدمات عمومی می‌نمایند.

- پاسخگویی سازمانی: این نوع پاسخگویی به نظارت‌های دورنی سازمان گفته می‌شود که مبتنی بر روابط فرادست و فرودست است و مدیران بر عملکرد کارکنانی که اغلب اختیارات اندکی دارند، نظارت می‌کنند. نظارت‌های مستقیم و بازبینی‌های ادواری عملکرد کارکنان، مصادیقی از پاسخگویی سازمانی است.

با توجه به مطالب مذکور و براساس شناخت سازمان و مفاهیم موجود در ادبیات مربوطه، ۵ زیرمolfه به شرح جدول (۱) برای مolfه پاسخگویی در نظر گرفته شد که سازمان امور مالیاتی کشور برای دستیابی به حکمرانی خوب باید این موارد را مدنظر قرار دهد. در دیدگاه اسلام، علاوه بر مقبولیت مolfه پاسخگویی و زیر مolfه‌های آن از منظر بین‌المللی، ضرورت دارد گزارش‌ها، آمارها، نتایج تجزیه و تحلیل‌ها و مطالعات مبتنی بر راست‌گویی و صداقت ارائه شود زیرا که این امر تضمین‌کننده رشد و کمال انسان است.

❖ احترام به احکام قوانین و مقررات موضوعه

احترام به قانون به منظور انطباق عملکرد با الزامات قوانین و مقررات موضوعه است که از این منظر احترام به قانون را می‌توان با پاسخگویی قانونی معادل در نظر گرفت. در این رابطه دولت در راستای خدمت‌رسانی مطلوب به مردم و ایفای نقش حکمرانی خوب، یکسری از وظایف خود را به موجب قوانین موضوعه بر عهده سازمان‌های اجرایی قرار می‌دهد. ضمن اینکه، از دیگر انتظارات دولت از سازمان امور مالیاتی میزان تحقق اهداف درآمدی است. بنابراین، دولت و مردم حسب تکالیف و وظایف مقرر در قانون، اعمال مقررات و جلوگیری از تخلفات را از سازمان امور مالیاتی انتظار دارند. در این ارتباط نیز ۳ زیرمolfه شناسایی شد که در جدول (۱) ارائه گردید. در دیدگاه اسلام، علاوه بر مقبولیت مolfه احترام به احکام قوانین و مقررات موضوعه و زیر مolfه‌های آن از منظر بین‌المللی، لازم است پای‌بندی و اعتقاد به قوانین الهی، قراردادهای اجتماعی و قوانین مصوب قوه مقننه در اجرای

قوانین و مقررات مالیاتی، و هماهنگی و همسوسازی طرح‌ها و لوایح پیشنهادی با در نظر گرفتن ملاحظات اسلامی، نیز در نظر گرفته شود.

❖ ظرفیت‌سازی و انجام اثربخش وظایف توسط ذی‌نفعان داخلی (کارکنان و مدیران)

در حال حاضر که در اقتصاد جهانی کاربران متضمن بقای سازمان‌ها هستند و به عنوان منبع بازگشت سرمایه تلقی می‌شوند. در این شرایط مدیریت ارشد سازمان‌ها به کمک متخصصان منابع انسانی و فراگردهای مدیریت این منابع، با استفاده از ارزشمندترین و کلیدترین سرمایه یعنی نیروی انسانی خلاق، کارآمد و پویا تلاش خود را به منظور جذب و نگهداری مشتریان معطوف می‌سازد. سازمان‌های پیشرو در دنیای امروز رمز موفقیت خود را در به کارگیری شیوه‌های نوین مدیریتی و کیفیتی با بهره‌مندی از منابع انسانی خلاق دانسته و بر این باورند که کارکنان با کیفیت مهم‌ترین دارایی نامشهود، کلید طلایی و برگ برنده در صحنه رقابت جهانی است. بنابراین مدیریت اثربخش منابع انسانی به عنوان یکی از دستاوردهای نوین و ارزشمند، بزرگترین چالش فراروی مدیران فعلی بوده و از این باور عمیق بر بکارگیری و اجرای عملی شیوه‌ها و نظامهای نوین مدیریتی در حوزه منابع انسانی، تلاشی است در جهت افزایش اثربخش و بهره‌وری این سرمایه ارزشمند و رفع چالش‌های متعدد سازمان‌ها. در این ارتباط نیز ۶ زیرمؤلفه شناسایی شد که در جدول (۱) ارائه گردید. در دیدگاه اسلام، علاوه بر مقبولیت مؤلفه ظرفیت‌سازی و انجام اثربخش وظایف توسط ذی‌نفعان داخلی و زیرمؤلفه‌های آن از منظر بین‌المللی، لازم است از ظرفیت‌های مادی و معنوی حکمرانان استفاده شود و همچنین نظام ارزشیابی و انگیزشی مبتنی بر عدالت و موازین اسلامی (بهره‌وری، تجربه، اخلاق اسلامی، رعایت مساوات در قضاوت، و...) برپا شود.

❖ ایجاد و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و رفتاری در سازمان

در سازمان‌های دولتی کارکنان براساس «منشور اخلاقی و اداری کارمندان دولت» ملزم به رعایت یکسری اصول به منظور اشاعه و اعتلای فرهنگ اسلامی و ارزش‌های انسانی و سازمانی در نظام اداری کشور هستند که کارکنان سازمان امور مالیاتی کشور از این امر مستثنی نمی‌باشند. در این ارتباط نیز ۴ زیرمؤلفه شناسایی شد که در جدول (۱) ارائه گردید. در دیدگاه اسلام، علاوه بر مقبولیت مؤلفه ایجاد و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و رفتاری در سازمان و زیر مؤلفه‌های آن از منظر بین‌المللی، لازم است از روش‌های پیشگیری از وقوع تخلفات اداری از طریق آموزش‌های اخلاق دینی به کارکنان، و روش‌های نظارتی و بازرسی، و مبارزه با فساد مبتنی بر آموزه‌های شریعت اسلام (حلال و حرام) استفاده شود. همچنین، حکمرانان براساس معیار عدالت اسلامی (مبتنی بر دسترسی برابر به امکانات) انتخاب شوند.

❖ تصمیم‌گیری آگاهانه و شفاف توسط حکمرانان سازمان امور مالیاتی کشور

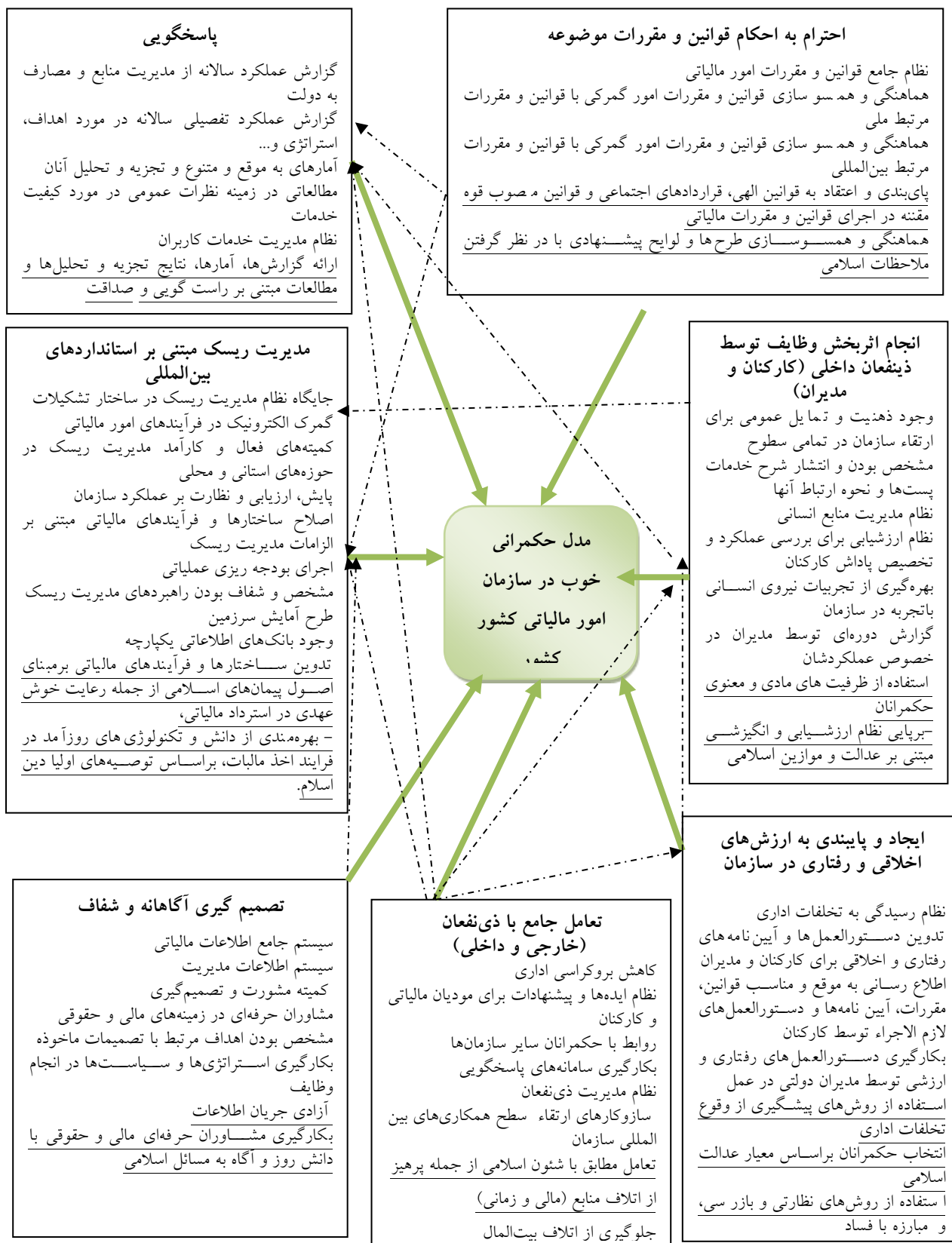
حکمرانان سازمان امور مالیاتی کشور همانند هر حکمران دیگری در تحقق اهداف سازمانی مسئول هستند. آنها در این مسیر با چالش‌های زیادی روبرو هستند که باید باتوجه به شرایط و موقعیت‌های متفاوتی محیطی تصمیم‌گیری کنند، باید برای رسیدن به اهداف سازمانی برنامه‌ریزی کنند و با تخصیص مناسب منابع و نیروی انسانی ریسک فعالیت‌ها را کاهش دهند، عملکرد وظایف خود را در یک دوره مالی به ذینفعان به خصوص به مقامات بالاتر ارائه دهند. در این ارتباط ۶ زیرمؤلفه شناسایی شد که در جدول (۱) ارائه گردید. در دیدگاه اسلام، علاوه بر مقبولیت مؤلفه تصمیم‌گیری آگاهانه و شفاف توسط حکمرانان سازمان امور مالیاتی کشور و زیرمؤلفه‌های آن از منظر بین‌المللی، لازم است آزادی جریان اطلاعات مدنظر قرار گیرد زیرا تضمین‌کننده کمال انسانی است. همچنین، مشاوران حرفه‌ای مالی و حقوقی که بکارگرفته می‌شوند دارای دانش روز و آگاه به مسائل اسلامی باشند.

❖ مدیریت ریسک مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی

مدیریت ریسک روشی منطقی و سیستماتیک برای شناسایی، تجزیه و تحلیل، برخورد و کنترل خطرات احتمالی در هر فعالیت است. سازمان امور مالیاتی کشور، با توجه به ماهیت فعالیت و ارتباط تنگاتنگ با سازمان‌های مختلف و همچنین نقش وصول کننده بخش زیادی از منابع عمومی دولت، با ریسک‌های زیادی در انجام وظایف روبرو است. از این رو، بکارگیری سیستم مدیریت ریسک حکمرانان را قادر می‌سازد تا به واسطه جلوگیری از تخلفات مالیاتی و کاهش اجتناب و فرار از پرداخت مالیاتی، شکاف وصولی منابع را حداقل کند و انتظارات ذی نفعان را به نحو مطلوب برآورده نمایند. در این ارتباط ۹ زیرمؤلفه شناسایی شد که در جدول (۱) ارائه گردید. در دیدگاه اسلام، علاوه بر مقبولیت مؤلفه مدیریت ریسک و زیر مؤلفه‌های آن از منظر بین‌المللی، باید ساختارها و فرآیندهای مالیاتی بر مبنای اصول پیمان‌های اسلامی، از جمله رعایت خوش عهدی در استرداد مالیاتی، تدوین شود. همچنین، براساس توصیه‌های اولیا دین اسلام، از دانش و تکنولوژی‌های روزآمد در فرایند اخذ مالیات بهره گرفته شود.

شایان ذکر است، بین مؤلفه‌های اصلی حکمرانی خوب می‌تواند روابط متقابل وجود داشته باشد و این مؤلفه‌ها بر یکدیگر تاثیرگذار باشند که به شرح زیر قابل بیان است:

- مؤلفه «تعامل جامع با ذی نفعان» به صورت یک‌طرفه با چهار مؤلفه‌ها اصلی شامل انجام اثربخش وظایف، ایجاد و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و رفتاری، مدیریت ریسک و پاسخگویی در ارتباط است.
 - مؤلفه «احترام به احکام قانون و مقرات موضوعه» به صورت یک‌طرفه با دو مؤلفه اصلی مدیریت ریسک و پاسخگویی در ارتباط است.
 - مؤلفه «پاسخگویی» به صورت یک‌طرفه با مؤلفه اصلی مدیریت ریسک در ارتباط است.
 - مؤلفه «تصمیم‌گیری آگاهانه و شفاف» به صورت یک‌طرفه با مؤلفه اصلی مدیریت ریسک در ارتباط است.
 - مؤلفه «ایجاد و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و رفتاری» به صورت یک‌طرفه با مؤلفه اصلی انجام اثربخش وظایف در ارتباط است.
 - مؤلفه «انجام اثربخش وظایف» به صورت یک‌طرفه با مؤلفه اصلی پاسخگویی در ارتباط است.
- بنابراین با توجه به ماهیت هر یک از مؤلفه‌های شناسایی شده و نحوه ارتباط بین مؤلفه‌ها براساس ادبیات تجربی و ایدئولوژی اسلامی، مدل مفهومی حکمرانی با رویکرد اسلامی در شکل (۲) ارائه شده است.



شکل (۲). مدل مفهومی حکمرانی با رویکرد اسلامی در سازمان امور مالیاتی کشور با در نظر گرفتن روابط بین

مولفه های اصلی

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مقاله تبیین مدل مفهومی حکمرانی در سازمان امور مالیاتی کشور به عنوان یک سازمان ارائه دهنده خدمات دولتی است. براساس خوانش متون مرتبط با حکمرانی، حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی انسان محور و مبتنی بر ماده‌گرایی، دنیاگرایی و اومانیزم است و از نظر شکلی عمدتاً از عناصر و مؤلفه‌هایی مانند دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تشکیل شده است و دارای مشخصه‌های مهمی مانند پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کیفیت قانون، کارایی و اثربخشی، مبارزه با فساد، مشارکت، اجتماع محوری، شفافیت، انصاف و عدالت، مسئولیت‌پذیری و رقابت تشکیل شده است. این در حالی است که حکمرانی از دیدگاه اسلامی خدا محور و مبتنی بر حکومت نبوی و علوی است و از نظر ماهوی ارتباط متقابل بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی با خداوند را در بر دارد.

در سطح سازمان‌های دولتی نیز بررسی ادبیات مربوطه حاکی از آن است که اگر ده مؤلفه رعایت شود، حکمرانی خوب سازمانی از نظر نهادهای بین‌المللی برقرار می‌گردد. براساس نتایج مطالعه حاضر حکمرانی خوب در سازمان امور مالیاتی کشور دارای ۷ مؤلفه اصلی شامل تعامل جامع با ذی‌نفعان (خارجی و داخلی)، پاسخ‌گویی، احترام به احکام قوانین و مقررات موضوعه و ظرفیت‌سازی و انجام اثربخش وظایف توسط ذی‌نفعان داخلی (کارکنان و مدیران، ایجاد و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و رفتاری در سازمان، تصمیم‌گیری آگاهانه و شفاف توسط حکمرانان سازمان امور مالیاتی کشور و مدیریت ریسک مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی می باشد که در مجموع از ۴۱ زیرمؤلفه تشکیل شده است.

در تبیین الگوی مفهومی حکمرانی اسلامی در سازمان امور مالیاتی تمامی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی لحاظ شده است اما این تشابه شکلی است و حکمرانی در صورتی اسلامی خواهد بود که روح حاکم بر این مؤلفه‌ها قوانین الهی و موازین دین اسلام باشد که به وسیله خداوند، و توسط انبیا و اولیا از جمله حضرت علی علیه السلام بیان گردیده است. براین اساس برای برقراری حکمرانی اسلامی در سازمان امور مالیاتی کشور علاوه بر رعایت تمامی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های مذکور، لازم است ۱۵ زیرمؤلفه دیگر از جمله رعایت صداقت و راست‌گویی در ارائه گزارشها، آمارها و نتایج حاصل از مطالعات و تجزیه و تحلیل‌ها، جلوگیری از اتلاف منابع و بیت‌المال، تدوین ساختارها و فرآیندهای مالیاتی بر مبنای اصول پیمان‌های اسلامی، بکارگیری دانش و تکنولوژی روزآمد و ... با محوریت حاکمیت خداوند، کمال انسانی، شئونات و موازین اسلامی مدنظر قرار گیرد.

منابع

- امامقلی پور، سارا و زهرا آسمانه (۱۳۹۵)، شاخص حکمرانی در اسلام و تاثیر آن بر بروندهای سلامت در ایران، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پانزدهم، صفحات ۱۰۸-۹.
- برادران شرکاء، حمیدرضا و سعید ملک الساداتی (۱۳۸۶)، حکمرانی خوب: کلید توسعه آسیای جنوب غربی، نشریه علوم سیاسی راهبرد، شماره ۴۶.
- تاش، سیدعلی حسینی و قادر علی واثق (۱۳۹۳)، حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخصهای این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع)، اسلام و پژوهشهای مدیریتی (موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره)، سال سوم، شماره دوم، پیاپی ۸.
- تفضلی، فریدون، هژبرکیانی، کامبیز، غلامی، الهام و جواد نوبخت (۱۳۹۵)، بررسی وضعیت عملکرد گمرک ج.ا.ا از منظر حکمرانی خوب، تهران: انتشارات دارا.
- حق شناس، هادی (۱۳۹۲)، تاثیر اندازه و کیفیت دولت (حکمرانی خوب) بر رشد اقتصادی در ایران، رساله دکتری، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده مدیریت و اقتصاد.
- درخشه، جلال و سید مهدی موسوی نیا (۱۳۹۷)، مؤلفههای حکمرانی شایسته درسیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)، پژوهشهای علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم، شماره اول، صص ۱-۲۸.
- سردارنیا، خلیلاله و حمید شاکری (۱۳۹۳)، تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره چهارم.
- سلاطین، پروانه (۱۳۸۸)، تاثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OECD و OPEC، پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی.
- شاه آبادی، ابوالفضل و آمنه جامه بزرگی (۱۳۹۲)، نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال اول، شماره ۲، صص ۱-۱۷.
- قلی پور، رحمت الله و فتاح شریفزاده (۱۳۸۳)، تحلیل و امکان سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر نقش دولت، فصلنامه دانش و مدیریت، شماره ۶۷.

Abdellatif A. M. (2003), Good Governance and Its Relationship to Democracy and Economic Development. Global Forum III on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity Seoul 2003; 20-31.

Cameron, Robert (2003), Politics – Administration Interface: The Case of The City Café Town, International Review of Administrative Sciences, Vol. 69, No.1.

Goodsell, Charles (2006), A New Vision for Public Administration, Public Administration Review, Vol.66, No.4.

Graham John (2003), Principles for Good Governance in the 21st Century, Policy Brief; No.15. <http://www.iog.ca>.

Graham John (2003), Principles for Good Governance in the 21st Century, Policy Brief; No.15. <http://www.iog.ca>.

Haque, M. Shamsul (1996), The Intellectual Crisis in Public Administration in the Current Epoch of Privatization, Administration and Society, Vol.27, No.4.

Heinrich, C. and Lynn, Jr. (2000), Governance and Performance: New Perspective, Washington, D.C., Georgetown University Press.

Kaufmann, D, Kraay, A and Mastruzzi, M.(2006), Governance Matters V: Governance Indicators for 1996-2005, World Bank Policy Research Working Paper 4012. . Poor Governance

Okot-Umao, R.W'O. (2001), Electronic Government: Re-inventing Good Governance. Commonwealth Secretariat, London.

World bank (2002), Political Institutions and Governance, Chapter 5 In World Development Report (2002), Building Institutions for Market, Washington D. C.